

## اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی متناسب با آن

حسن فارسی<sup>۱</sup>، زهرا بیگ‌جانی<sup>۲</sup>

### چکیده

انقلاب اسلامی با مقاومت و روحیه مقاومت گره خورده و پیوند ناگسستنی بین این دو برقرار است. «اقتصاد مقاومتی» جلوه دیگری از موضوع مقاومت گره خورده با انقلاب اسلامی است که در سال‌های اخیر مطرح گردیده است. مرور فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز حکایت از فرهنگ و سبک زندگی متناسب با وجوه مختلف مقاومت دارد. در این مقاله تلاش می‌شود نسبت بین «سبک‌های زندگی» و «اقتصاد مقاومتی» مورد بررسی قرار گیرد.

سبک زندگی نتیجه همه انتخاب‌ها و گزینش‌هایی است که فرد نسبت به خود انجام می‌دهد و اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر و راهکارهایی است که برای پیشبرد امور اقتصادی در شرایط مقاومت در همه زمینه‌های مرتبط با اقتصاد به کار گرفته می‌شود. سؤال مطرح در این نوشتار این گونه مطرح می‌شود که چه نوع رابطه‌ای بین سبک‌های زندگی و اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟ و در پاسخ فرض بر این است که سبک زندگی دینی مناسب‌ترین سبک زندگی برای دوره اقتصاد مقاومتی است. بررسی و تحلیل پیرامون سؤال و فرضیه، با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی صورت می‌پذیرد.

**واژگان کلیدی:** سبک زندگی، اقتصاد مقاومتی، جامعه دینی، سبک زندگی دینی

### مقدمه

انقلاب اسلامی با مقاومت و روحیه مقاومت گره خورده و پیوند ناگسستنی بین این دو وجود دارد. این موضوع یعنی انقلاب و مقاومت با خصوصیات منحصر به فرد و غیرقابل تصور آن توجه بسیاری از مجامع را به خود جلب کرده است (کتاب ماه علوم اجتماعی، ۱۳۷۸). مروری اجمالی بر فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که هر برهه زمانی با نوعی مقاومت تعریف می‌شود و در این مسیر جبهه‌های مقاومتی متعددی تجربه شده است. در این خصوص نیکی آر. کدی معتقد است انقلاب و مقاومت واژه‌هایی هستند که در قلب تاریخ جهان اسلام جای گرفته‌اند. این مطلب، به ویژه در مورد ایران صدق می‌کند (مستقیمی، ۱۳۸۶).

در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی، آنچه که در مواجهه با رژیم گذشته گره‌گشای بسیاری از مشکلات بود روحیه مقاومت، صبر و استقامت انقلابیون و مردم مسلمان بود که در فرآیند زمانی مبارزه علیه رژیم شاه، صبر و مقاومت خود را به آزمون گذاشتند.

۱- عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی؛ Farsi20@gmail.com

۲- کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی

پس از سقوط رژیم شاهنشاهی و در آغازین روزهای پیروزی، انواع هجمه‌های سخت و نرم داخلی و خارجی از سوی اندیشه‌های التقاطی و انحرافی داخلی و قدرت‌های حامی رژیم شاه علیه نهال نوپای انقلاب اسلامی به کار گرفته شد تا بلکه این نهال نوپا را از ریشه برکنند. در مقابل علاوه بر تدابیر، استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها یکی از مهمترین استراتژی‌های به کار گرفته شده استراتژی مقاومت در راه هدف‌های متعالی بود.

اگر نظام جمهوری اسلامی را از استقرار تا به امروز در یک دوره زمانی خلاصه کنیم، در این دوره، ایجاد چالش‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی سرلوحه کار دشمنان و رقبای جمهوری اسلامی بوده است؛ لکن در مقاطع زمانی مختلف اولویت‌ها جابجا شده‌اند و این ناشی از روحیه مقاوم مردم مسلمان ایران بوده است؛ چرا که دشمنان بر آن بوده‌اند تا با تاکتیک‌های مختلف استراتژی مقاومت را بشکنند و در اعماق روح و جان مردم، بافت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه منافذی را برای خود پیدا کنند.

از آخرین روش‌های اتخاذ شده علیه نظام سیاسی ما موضوع تحریم اقتصادی و ایجاد تنگنا برای مردم در این حوزه بوده است تا بلکه تاکتیک دیگری در مسیر استراتژی اصلی که همان به زانو درآوردن انقلاب اسلامی است را بیازمایند.

در دوره‌های مختلفی که به اجمال اشاره شد آنچه که نقطه قوت کشور، مردم و نظام اسلامی بوده روحیه مقاومت و سبک زندگی برآمده از تفکر، اندیشه و اخلاق اسلامی بوده است که کارآمدی خود را در وجوه مختلف نشان داده و به واسطه فشارهای وارده در هر کدام از حوزه‌ها، جوهر اصلی تفکر دینی و اسلامی بیشتر ظهور نموده است. امروز که صحنه مبارزه عوض شده و اقتصاد محور مبارزه قرار گرفته موضوعی کاملاً محسوس و ملموس انتخاب شده است و در عرصه زندگی روزمره لحظه به لحظه می‌تواند خود را نشان دهد و مقاومت در این عرصه نیازمند هوشمندی بسیار بالایی می‌باشد.

رهبری معظم انقلاب اسلامی، به عنوان دیده‌بان دوراندیش انقلاب اسلامی که همواره بر دشمن‌شناسی تأکید داشته‌اند، قبل از افزایش حجم تهاجمات دشمن در سال‌های اخیر با تعیین عناوین سال، که مرور اجمالی آن‌ها و ترکیب آن‌ها در کنار هم پیش‌بینی صحنه‌های آینده چالشگری دشمن و روح حاکم بر استراتژی مقاومتی را نشان می‌دهد، به موضوع پرداخته‌اند. معظم له در کنار عناوین سال، از جمله موضوعاتی که به صورت مستقل در سال‌های اخیر برجسته نموده و بر لزوم تبیین آن‌ها از سوی مراجع علمی و تحقیقاتی تأکید نموده‌اند سبک زندگی و اقتصاد مقاومتی است که در عرصه کارزار امروز با دشمن، نقشی تعیین کننده دارند. در این نوشتار برآنیم تا ضمن بررسی تعاریف، مختصات و برخی انواع سبک زندگی و اشاراتی به اقتصاد مقاومتی، شرایط و ویژگی‌های سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی را برشماریم.

### مرور نظری و مفهومی بر سبک زندگی در علوم اجتماعی

در ادبیات جامعه‌شناسی، از مفهوم «سبک زندگی» دو برداشت و دو گونه مفهوم‌سازی متفاوت به عمل آمده است. در برداشت نخست که سابقه آن به دهه ۱۹۲۰ باز می‌گردد، سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی است. در فرمول‌بندی دوم، سبک زندگی نه راهی

برای تعیین طبقه اجتماعی بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (محمدی، ۱۳۹۱).

در جامعه‌شناسی متقدم، مفهوم سبک زندگی عموماً در ارتباط با مفهوم طبقه و نظام قشریندی اجتماعی به کار برده شده است. از دیدگاه وبر گروه‌های منزلتی اغلب سبک زندگی یا شیوه‌های رفتاری‌ای دارند که آن‌ها را از دیگر گروه‌های منزلتی متمایز می‌کند. زیمل مفهوم سبک زندگی را در رابطه با مدرنیته و زندگی در کلان شهرها بررسی کرده است. زیمل معتقد است که نظام‌هایی مانند مد در جامعه مدرن بیانگر تلاش انسان مدرن برای کسب فردیت و همزمان تعلق به گروه‌های اجتماعی است (فریزی، ۱۳۸۶). ویلن نیز در تحلیل سبک زندگی به مفهوم مصرف تمسک جسته است. از دیدگاه او «مصرف تظاهری» یا «مصرف خودنمایانه» ویژگی طبقات بالای اجتماعی است. این طبقات تلاش می‌کنند تا از این طریق میان خود و دیگر گروه‌های اجتماعی تمایز ایجاد کنند (ویلن، ۱۳۸۳).

مفهوم سبک زندگی پس از آن که در آثار وبر، زیمل و ویلن به کار رفت، از رونق افتاد و سال‌ها در جامعه‌شناسی مسکوت باقی ماند. در سال‌های نخست دهه ۱۹۹۰، سبک زندگی با آثار نظریه پردازان اجتماعی و فرهنگی معاصر مانند بوردیو، گیدنز و چنی دوباره وارد مباحث جامعه‌شناسی شد (بنت، ۱۳۸۶، ۱۰۰).

بوردیو در کتاب تمایز (۱۹۸۴) شیوه‌هایی را تحلیل می‌کند که در آن گروه‌های هم طبقه و هم‌رده، به وسیله الگوهای مصرفی، خود را از گروه‌های دیگر متمایز می‌کنند (فاضلی، ۱۳۸۲، ۴۵). از نظر بوردیو تمایزات اجتماعی را می‌توان در مجموعه متنوعی از اعمال و رفتارها مشاهده کرد که در چارچوب سبک زندگی قرار می‌گیرند. تأکید اصلی بوردیو بر نقش مصرف در بروز تمایزات اجتماعی است (ترنر به نقل از حسینی پاکدهی و یارقلی، ۱۳۹۱).

به بیان گیدنز، تنوع و گستردگی انتخاب در مدرنیته متأخر مقدم بر پیدایش سبک‌های زندگی است. امر انتخاب در تاریخ بشر به صورت امروزی نبوده است. تعداد امکان‌های موجود برای انتخاب در دنیای کنونی موجبات پیدایش سبک‌های زندگی مختلف را فراهم کرده است. این امر از آنجا ناشی می‌شود که مدرنیته متأخر شرایطی را فراهم کرده است تا فرد و جامعه در محیطی جهانی با هم به تعامل بپردازند (گیدنز، ۱۳۸۵، ۱۲۰).

از نظر چنی، اهمیت سبک زندگی درست به دلیل دلالتی است که بر سستی گرفتن سیطره طبقه و شکل‌های تجربه ساختاری بر فرد در جامعه مصرفی سرمایه‌داری پسین دارد. چنی سبک‌های زندگی را نشانگر تأمل‌گری فزاینده‌ای قلمداد می‌کند که افراد در عمل و داد و ستدهای زندگی روزمره به نمایش می‌گذارند. در اینجا امکاناتی که مصرف‌گرایی مدرن اخیر به افراد عرضه می‌کند تا به دخل و تصرف در قید و بندهای طبقه و صور نابرابری‌های ساختاری، خصوصاً جنسیت و نژاد بپردازند اهمیت شایانی دارد.

امروزه سبک زندگی را معمولاً مبتنی بر سازمان اجتماعی مصرف می‌دانند. هر سبک زندگی در خلال گزینش‌های فرهنگی و رفتاری به ویژه اشکال متعدد مصرف متجلی می‌شود (رضوی زاده، ۱۳۸۶، ۴۵). در متن این بحث مصرف به گسترده‌ترین معنای آن به کار می‌رود و منظور از آن تمامی انواع فعالیت‌های اجتماعی

است که در تعیین ویژگی‌ها و هویت مردم نقش دارند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). در اینجا مصرف به منزله نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح می‌شود که کارکردهایی چون تمایزگذاری اجتماعی دارد (شالچی، ۱۳۸۶). نکته دیگری که در خصوص سبک زندگی باید مورد توجه قرار گیرد این که عده‌ای از محققان بر این باورند که سبک زندگی را باید صرفاً براساس فعالیت و رفتار تعریف کرد و نه ارزش‌ها و نگرش‌ها (فاضلی، ۱۳۸۲، ۷۹-۸۱). در مقابل عده‌ای از نظریه‌پردازان همانند میگل و یوهانسون معتقدند، ارزش‌ها مهمترین مؤلفه سبک زندگی را تشکیل می‌دهند. مطابق این دیدگاه سبک زندگی یک فرد اساساً بیانگر ارزش‌های اوست. از نظر میگل و یوهانسون پدیده سبک زندگی در سه سطح متفاوت قابل مشاهده می‌باشد: ارزشی، نگرشی و کنشی (میگل و یوهانسون به نقل از شهابی، ۱۳۹۱).

### مؤلفه‌های سبک زندگی

یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم سبک زندگی از نظر اندیشمندان مختلف دست یافت بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که آن‌ها برای سبک زندگی برشمرده‌اند یا در تحقیقات خود از آن‌ها به عنوان شاخص‌ها بهره برده‌اند. در اینجا منظور از مؤلفه، اموری است که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می‌شوند. لازم به توضیح است که شاخص‌ها و معرف‌های سبک زندگی بسته به حوزه مورد بررسی متفاوت می‌باشند و هیچ یک از آن‌ها به تنهایی نمی‌تواند پدیده سبک زندگی را به طور کامل تبیین کند.

عناصری که وبر، زیمل و وبلن در آثار خود از آن‌ها یاد کرده‌اند، عبارت است از: شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، اطفار (رفتارهای حاکی از نجیب‌زادگی یا دست و دلبازی، کشیدن سیگار در محافل عمومی، تعداد مستخدمان و آرایش آن‌ها) (مهدوی کنی، ۱۳۸۶).

بوردیو بررسی سبک زندگی را اول، مطالعه دارایی (کالاهای تجملی یا فرهنگی‌ای) می‌داند که افراد دور خود جمع کرده‌اند، مانند خانه، ویلا، قایق تفریحی، ماشین، اثاثیه، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، نوشابه‌ها، سیگارها، عطر، لباس‌ها و دوم، فعالیت‌هایی که با آن خود را متمایز نشان می‌دهد: ورزش‌ها، بازی‌ها، تفریحات (پیاده روی یا کوه پیمایی، اسکی یا سوارکاری، گلف یا تنیس)، لباس پوشیدن، رسیدگی به ظاهر بدن خود، نحوه استفاده از زبان و بودجه‌بندی (بوردیو، به نقل از مهدوی کنی، ۱۳۸۶).

جی.ای.ویل، معتقد است سبک زندگی «علاوه بر مصرف ... ارزش‌ها، نگرش‌ها، مسایل جمعیت‌شناختی، تفاوت‌های جنسی، موقعیت اقتصادی، شغل، طبقه‌بندی اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت را نیز در بر می‌گیرد» (ویل، به نقل از مهدوی کنی، ۱۳۸۶).

فرن نیز در بحث از روش‌های تحقیقی پیشرفته گروه متمرکز به سبک زندگی اشاره کرده و مؤلفه‌های آن را فعالیت‌ها (مانند کار، سرگرمی و تفریحات)، علاقه‌مندی‌ها (مانند خانواده و رسانه) و عقاید (مانند موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) برمی‌شمرد (فرن، به نقل از مهدوی کنی، ۱۳۸۶).

مهدوی‌کنی مؤلفه‌های سبک زندگی را در چهار مقوله طبقه‌بندی می‌کند: اموال (سرمایه‌های مصرفی) فعالیت‌ها (عادات، شغل، گذران اوقات فراغت و ...)، نگرش‌ها و گرایش‌ها و روابط انسانی (از بین فردی گرفته تا اجتماعی) (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶).

### صورت‌بندی ویژگی‌های زندگی بر اساس دوره‌های تاریخی ویژگی زندگی در دوران پیشامدرن

در این دوره، جهان‌بینی غیرحسی و غیرتجربی حاکم است و این نوع تفکر تعیین‌کننده کنش انسانی است. در این شرایط تفکر بسیار انتزاعی است و اقتصاد بر مبنای شیوه‌های تولیدی کشاورزی و شبانکارگی استوار است. در این نوع از سبک زندگی افراد کمترین ارتباط و تعامل را با سایر نواحی جغرافیایی دارند و در حالت انزوای اجتماعی، اقتصادی قرار دارند و تأثیر و تأثر اجتماعی و اقتصادی در پایین‌ترین میزان خود می‌باشد. در صورت‌بندی جامعه پیشامدرن، اقتصاد معیشتی است، حمل و نقل و ارتباطات در پایین‌ترین سطح قرار دارد و تولید برای مصرف است. به لحاظ اجتماعی افق دید افراد جامعه محلی و نهایتاً منطقه‌ای است و روستانشینی عامل تعیین‌کننده در صورت‌بندی جامعه پیشامدرن می‌باشد.

#### ویژگی زندگی در دوران مدرن

مدرنیت به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۰، ۴). در این دوران شاهد ظهور جهان‌بینی حسی هستیم و اقتصاد سرمایه‌داری در آن جایگاه محوری دارد و تولید انبوه، کارگران فنی و عقلانیت مادی از جمله شاخص‌های آن است. مردم زندگی مصرفی را برمی‌گزینند و این ناشی از تولیدات انبوهی است که بایستی به فروش برسند. ماکس وبر به عامل محرک سرمایه‌داری در ایجاد مدرنیت تأکید داشت؛ اما عامل عقلانیت را نسبت به آن اساسی‌تر می‌انگاشت (گیدنز، ۱۳۸۰، ۶۹). گیدنز چهار محرک را مؤثر در مدرنیت می‌داند که عبارت‌اند از: اقتصاد سرمایه‌داری، نظام تولید صنعتی، ساختارهای نظارت از بالا و ساختارهای جدید اعمال خشونت.

به طور کلی از جمله شاخص‌های زندگی مدرن عبارت‌اند از: حاکمیت عقلانیت، ابزاری، تفکر ملی، کشاورزی مکانیزه، شکل‌گیری طبقات جدید و شکل‌گیری صورت‌بندی‌های اجتماعی با محوریت شهرنشینی.

#### ویژگی زندگی در دوران پسامدرن

پسامدرن‌ها اگرچه موفق به نشان دادن نقاط ضعف دوران مدرن و تفکر مدرنیستی شده‌اند اما قطعاً منظور آن‌ها بازگشت به دوران پیشامدرن نیست. لیوتار معتقد است امروزه ما در مرحله‌ای از هم گسیختگی به سر می‌بریم (لیوتار، ۱۳۸۴، ۱۱). زندگی و سبک زندگی در این دوره با نوعی آشفتگی و پراکندگی همراه است. در این شرایط ناخشنودی از تکنولوژی‌های مدرن به وفور یافت می‌شود. افسردگی ناشی از مدرنیت بر بسیاری از افراد حاکم و زندگی‌ها هم متأثر از این افسردگی‌ها و ناخشنودی‌هاست. در این دوره افق دید افراد نه محلی است و نه ملی؛ بلکه آن‌ها که آگاهند جهانی فکر می‌کنند و محلی عمل می‌کنند و آن‌ها که آگاهی کمتری از

شرایط دارند همان‌گونه که از وضعیت بغرنج، گسسته و جزیره‌ای پست مدرن رنج می‌برند، زندگیشان هم از اصول و پایه‌ها جدا و به تعبیر گیدنز «دچار از جا کنندگی» شده اما به جایی نپیوسته‌اند.

### ویژگی زندگی در جامعه دینی

جامعه دینی با تفکر اسلامی ناب که فراتر از دوره‌های تاریخی ذکر شده می‌باشد، اصولاً بر اساس اندیشه قرآنی «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره، ۱۵۶) تعریف می‌شود و جهان‌بینی حاکم بر آن جهان‌بینی توحیدی است. نه مانند دوران پیشامدرن گرفتار اوهام و خرافات است، نه مثل عصر مدرن انسان جایگزین خدا می‌شود و نه همانند دوران پسامدرن که سرخوردگی از مادیات و ویژگی اصلی آن است گرفتار عرفان‌ها و معنویت‌های کاذب می‌شود.

در منطق «از خدا بودن و به سوی خدا بازگشتن» که مبدأ و مقصد روشن است، چگونگی طی طریق از مبدأ تا مقصد هم روشن است، در این نوع تفکر و جامعه برآمده از آن انسان موجودی است که هم نیازهای معنوی و روحانی دارد و هم نیازهای مادی و جسمانی، هم نیاز به خلوت دارد و هم نیازهای اجتماعی؛ سبک زندگی انسان‌ها هم بر اساس این محورها و ویژگی‌های تفکری سازمان می‌یابند.

### ارزش‌های حاکم بر سبک‌های زندگی

#### پیشامدرن

این دوره از زندگی با ارزش‌های مبتنی بر ارزش‌های خانوادگی و اجتماع بسیار همبسته و منسجم پیوند می‌یابد (مارشال، ۱۳۸۸، ۱۱۹۷). نگاه بسته و کوتاه‌مدت، تولید برای مصرف سالانه، تولید به شیوه‌های سنتی، فقدان ابزارها و تجهیزات پیشرفته کشاورزی، مالکیت فنودالی و ملوک الطوایفی، ساده زیستی، خودکفایی، نظام خویشاوندی و خانواده گسترده، ساختار ساده قبیله‌ای و عشیرگی از جمله ویژگی‌های جامعه پیشامدرن و انسان در این جامعه است.

#### مدرن

رویکرد تجربی به زندگی، تولید برای انباشت سرمایه، سود، به کارگیری ابزارها و تجهیزات مدرن کشاورزی، حاکمیت عقلانیت ابزاری و گزینش عقلانی در وجوه مختلف زندگی، فردیت و خودمحوری به جای خدامحوری، مصرف انبوه، مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی، کاربرد علم برای تولید با کیفیت‌تر، آینده‌نگری، خصوصی‌سازی و نظام خانواده هسته‌ای از مهمترین وجوه سبک زندگی مدرن است. در سبک زندگی مدرن تمایل به برخورداری و استفاده مدرن و نو در زندگی مطرح است، همچنین انتخاب روش‌ها، الگوها، طرز برخورد و روابط اجتماعی مبتنی بر عناصر زندگی مدرن است (رسولی، ۱۳۸۲). تأکید بر ارزش‌های فناورانه، مهارت، دانش و تخصص، عقل‌گرایی، ابتکار، نوآوری، کثرت و فراوانی، سرعت، و گذران اوقات فراغتی مبتنی بر استفاده از فناوری‌های جدید را می‌توان از شاخصه‌های سبک زندگی مدرن دانست. استفاده از پوشش ظاهری و تزئینات تجملی، استفاده از کالاهای خارجی، مصرف بی‌رویه، الگوهای ورزشی و فراغتی گران‌قیمت و تأکید بر ارزش‌های ثروت و دارایی از دیگر عناصر زندگی مدرن می‌باشند.

## پسامدرن

اگر پسامدرن معنایی داشته باشد، آن معنا، جامعه مصرفی است. ما در حین مصرف کردن اشیاء خودمان را تعریف می‌کنیم (ریتزر، ۱۳۸۱، ۴۰۸). در واقع چیزهای بسیاری تغییر کرده‌اند و به نظر می‌رسد که نتیجه آن وضع اجتماعی بی‌سابقه‌ای است که با آنها مواجه‌ایم. در این نوع از تفکر و زندگی الگو یا سبک خاصی از فرهنگ و هنر برتری ذاتی ندارند. این تفکر متعلق به عصر بی‌ثباتی، شک و نسبیست است. جایگزینی خدمات به جای تولیدات و صنایع سنگین از مهمترین معیارهای جوامع پسامدرن است.

جدول ۱ - جدول مقایسه‌ای دوره‌های تاریخی

ردیف	مؤلفه‌ها	پسامدرن	مدرن	پسامدرن
۱	فالب فکری	ماورا گرایی	طبیعت گرایی	ضد واقع گرایی
۲	معرفت شناسی	راز ورزی	عینیت گرایی	ذهنیت گرایی اجتماعی
۳	ماهیت بشر	گناه ذاتی	لوح سفید/ خودمختاری	برساخت گرایی اجتماعی
۴	فرد/ اجتماع	جمع گرایی سستی	فرد گرایی	جمع گرایی و تکثر
۵	سیاست و اقتصاد	فئودالیسم	کاپیتالیسم	سوسیال دموکراسی
۶	مقطع زمانی	قرون وسطی	عصر روشنگری	از اواخر قرن بیستم به بعد
۷	مهمترین مشاغل	کشاورزی، کارگری، دامپروری	مهندسان و کارگران نیمه‌ماهر	دانشمندان حرفه‌ای و تکنیکی
۸	چالش	سلطه بر طبیعت	استفاده بهینه از صنایع	تناقض و تضاد اطلاعات
۹	اصحاب قدرت	مالکان زمین و نظامیان	سرمایه‌داران و تجار	سرمایه‌داران، دانشمندان
۱۰	خانواده	عشیره و قبیله	خانواده هسته‌ای	نوقبیله گرایی

## ارزش‌های حاکم بر سبک زندگی دینی

در زندگی دینی آنچه محور و تکیه‌گاه است خدامحوری در همه عرصه‌های زندگی و منظومه فکری انسان مؤمن و مسلمان است. در این نوع از سبک زندگی، هستی در مهار و کنترل خداست (متوسلی (الف)، ۱۳۸۴، ۲۹۸) و محصولات و ثمرات عبورگاه‌اند نه توقف‌گاه، نشانه و علامت راه‌اند نه مقصد (همان) و مال و ثروت باید وسیله قرب و نزدیکی به خدا باشد (متوسلی (ب)، ۱۳۸۴، ۳۰۹)؛ لکن خداوند نه فقط نیازهای اولیه چون آب و غذا، بلکه حتی زینت انسان را نیز تأیید نموده است (همان، ۲۹۹).  
در رویکرد دینی مبتنی بر قرآن، اعتقاد بر این است که دنیا عارضی است، بازیچه است، کوچک و زودگذر است، زندگی دنیا مایه غرور و اغفال است، دنیا غنچه‌ای است که برای هیچ کس گل نمی‌شود.

البته در این تفکر آنچه نکوهیده و مذموم است، انحصار فکر و عمل در راه رسیدن به دنیاست و گرنه تلاش و علاقه طبیعی امری پسندیده است (متوسلی (الف)، ۱۳۸۴، ۲۳۲) و اساساً هستی چه آسمان و چه زمین برای انسان آفریده شده است (متوسلی (ب)، ۱۳۸۴، ۲۹۸) و کار و تلاش گوهر زندگی انسان است و آنچه مذموم و نکوهیده است، تنبلی، رفاه طلبی و مصرف‌زدگی و ثروت‌اندوزی غیرمشروع است؛ زیرا إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا از دَوَجَتْ إِزْدَوْجَ الْكَسَلُ وَالْعَجْزُ فَتَتَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ، آن روز که همه چیز با هم ازدواج کردند «تنبلی» و «ناتوانی» به هم آمیخته و از آن دو، فرزندی به نام «فقر و تنگدستی» متولد شد! (بحار الأنوار، جلد ۷۸، ۵۹ و تحف العقول، ۱۵۸).

حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: مردم سه دسته‌اند؛ گروه اول گردآوری مال را دوست ندارند، در نگهداری و احتکار مال نمی‌کوشند، از دنیا به اندازه رفع گرسنگی و پوشیدن شرمگاهی راضی‌اند. گروه دوم گردآوری مال از پاک‌ترین و بهترین را دوست دارند، به وسیله آن به خویشان رسیدگی، به برادران نیکی و به فقرا کمک می‌کنند و برای آنها چسبیدن به سنگ تفدیده و داغ، از کسب یک درهم حرام یا بازداشتن کسی از حقش آسان‌تر است. گروه سوم به جمع مال از راه حلال یا حرام و جلوگیری از صرف مال در راهی که خدا واجب کرده علاقه دارند، اگر مال را خرج کنند شتاب و اسراف می‌ورزند و اگر نگه دارند به سبب بخل و احتکار است؛ دنیا زمام قلب اینان را مالک گشته، تا آنان را به سبب گناهانشان در آتش افکنند (میزان الحکمه، ۲۹۹۱).

سبک زندگی دینی شیوه‌ای است که افراد در زندگی خود با تکیه بر عناصر و عوامل فرامادی، ارزش‌های مذهبی را در پیش می‌گیرند (محمدی و بی‌باک آبادی، ۱۳۸۹). از مهمترین مؤلفه‌های سبک زندگی دینی می‌توان بر دوری از اسراف، جمع‌گرایی، زندگی غیرتجملی، تأکید بر روابط خویشاوندی و خانوادگی و دوری از روابط با نامحرم، اجتناب از مدگرایی، به دست آوردن روزی حلال با کار و زحمت و اعتقاد به زندگی اخروی اشاره کرد.

### اقتصاد مقاومتی

«اقتصاد مقاومتی» اصطلاحی است که اولین بار توسط مقام معظم رهبری وارد ادبیات سیاسی و اقتصادی کشور شد. بسیاری آن را راهکار مناسبی برای این روزهای اقتصاد کشور و شرایط تحریم‌های بی‌سابقه‌ای که به کشورمان تحمیل شده می‌دانند. اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل، بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. و صد البته منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته، چنان که مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود.

با تصویری که از اقتصاد در مفهوم اسلامی آن داریم که ریشه‌هایش در جهان‌بینی الهی، فطری و توحیدی است، وقتی بحث از اقتصاد مقاومتی می‌کنیم، تصور ما از اقتصاد، نوعی از اقتصاد اسلامی است (زریاب،



(۱۳۹۱) و در اندیشه آیت الله جوادی آملی، اقتصاد مقاومتی یک ستون فقرات می‌خواهد و آن دین است (جوادی آملی، ۱۳۹۲)؛ یعنی اقتصادی که ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی، معیشت و معنویت را در یک تصویر و یک الگوی خاص دنبال می‌کند. به طور حتم این الگو نه الگوی سوسیالیستی و نه الگوی سرمایه‌داری است (همان) و در مورد مقاومت اولین مفهومی که قابل برداشت است این است که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در عرصه‌های مختلف آن دشمن وجود دارد که یکی از آن عرصه‌ها، فعالیت اقتصادی است. به عبارت دیگر در یک میدان رقابتی، تعاملی و تخصیصی قرار داریم که باید برای نیل به اهداف، این فضا را مدیریت کنیم. از این رو وقتی می‌گوییم «اقتصاد مقاومتی» یعنی این که ما می‌خواهیم از حیثیت و هویت خودمان در مقابل دشمن یا رقیب دفاع کنیم و هر الزامی را که به این مقاومت و دفاع نیاز دارد، بایستی وارد برنامه‌ریزی و استراتژی‌های خود کنیم؛ این معنای اقتصاد مقاومتی است (همان).

از جمله تعاریف دیگر اقتصاد مقاومتی یعنی حرکت، فعالیت، تولید و مصرف اقتصادی به گونه‌ای دشمن‌شکن. یعنی حرکت تمام اقشار جامعه، یعنی ایجاد روحیه کار و تلاشگری. یعنی حرکت سیاستگذاران و مسئولان کشور از یک سو برای رفع موانع و مشکلات فعالیت‌های تولیدی و از سوی دیگر جلوگیری از اسراف و تبذیر و به خصوص جلوگیری از مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی. یعنی برای فعالیت و کار ارزش قائل شدن.

اقتصاد مقاومتی یعنی مردم الگوی مصرف خود را تغییر دهند و از مصرف کالای خارجی به سمت مصرف کالای داخلی کنند. اگر بتوانیم الگوی مصرف را در دو بخش عمده ۱- مصرف کالای تولید داخل و ۲- عدم مصرف و استفاده نکردن از کالاهای لوکس و تجملی تغییر دهیم گام مهمی در راه اقتصاد مقاومتی برداشته‌ایم.

### برخی ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی

۱- **ترویج فرهنگ کار و تلاش به عنوان یک فریضه:** تلاش و کار به منظور پیشرفت جامعه، رفع نیازها، کمک و خدمت به دیگران موضوعی است حیاتی و در این مسیر کوشش و تلاش فرد فرد جامعه می‌تواند مؤثر باشد و زمانی که موضوع در حوزه اقتصاد مقاومتی تعریف و تصویر می‌شود از اهمیت مضاعفی برخوردار می‌شود. اگر مبنا و هدف اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گیرد، آن‌گاه علاوه بر اهمیت ذاتی کار و تلاش، مزایا و تأثیرات پیش‌برنده آن بیشتر مشخص خواهد شد. طبیعتاً فرهنگ اقتصاد مقاومتی، فرهنگ مقاومت و دشمن‌شکنی، اجزای دیگری هم دارد که یکی از آنها فرهنگ جهادی و کار جهادی است که در عرصه‌های مختلف مؤثر بر اقتصاد مقاومتی جایگاه ویژه‌ای دارد.

۲- **حاکمیت روحیه مولد بودن:** برخورداری از ویژگی مولد بودن و تولیدکنندگی و البته پذیرفتن الزامات آن از جمله دوراندیشی، ریسک‌پذیری و توجه به منافع و مصالح کلان جامعه از ضروریات اقتصاد مقاومتی است. با روحیه واسطه‌گری، نگاه کوتاه‌مدت و سرمایه‌اندوزی در اندک زمان ممکن نمی‌توان در اقتصاد مقاومتی ایفای نقش نمود.

۳- **مشارکت اقتصادی مردم:** تار و پود جامعه با مردم شکل می‌گیرد؛ اقتصاد برای مردم است؛ بنیان اقتصادی یک جامعه با سرمایه‌های مالی، انسانی تعریف می‌شوند؛ طبیعتاً جایی که موضوع اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود نمی‌توان بدون حضور و مشارکت مردم در فرآیند تولید سرمایه‌های اقتصادی به موفقیت رسید.

۴- **توجه به اقتصاد دانش‌بنیان:** اقتصاد امروز دیگر اقتصاد معیشتی و اقتصاد برآمده از صنایع سنگین نیست؛ بلکه اقتصاد ناشی از علم و دانش است. دانایی، مردمی‌ترین منبع قدرت است (تافلر، ۱۳۷۵، ۳۷). دانش و دانایی است که منبع و منشأ قدرت است. حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی بدون توجه به دانش و علم در عصر حاضر تقریباً ناممکن است.

۵- **تولید ملی و وجدان کار:** هر چند در دنیای امروز و ساختارهای حاکم بر آن منحصر شدن در سطح ملی خیلی نمی‌تواند پاسخگوی همه عرصه‌های اقتصادی باشد، لکن همچنان سطح تحلیل اصلی در حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست سطح ملی است. با این اوصاف آنچه که در تولیدات ملی به دلایل مختلف نقش جدی و مهمی دارد تولید با رعایت وجدان کاری و دقت و ظرافت و سخت‌کوشی است؛ موضوعی که ژاپنی‌ها معتقدند هر کس برای اینکه یک ژاپنی محسوب شود باید سخت‌کوش و صادق و بی‌ریا باشد (ی.سو، ۱۳۹۰، ۷۸).

۶- **وجدان مصرفی و مدیریت مصرفی:** وجدان موضوعی نیست که صرفاً در بحث تولید و کار معنا و مفهوم داشته باشد؛ بلکه در عرصه مصرف و مدیریت مصرف هم جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا اگر نوعی کنترل درونی بر سبک زندگی مصرفی و مدیریت مصرف حاکمیت نداشته باشد ولنگاری در مصرف و مصرف زدگی با موضوع اقتصاد مقاومتی تناسبی ندارد.

۷- **پرهیز مسئولان از تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی:** اقتصاد مقاومتی موضوعی است همه‌جانبه که شامل همه اقسام جامعه می‌شود و همه بایستی در آن مشارکت داشته باشند و نقش مسئولان و کارگزاران بسیار مهمتر خواهد بود؛ زیرا «الناس علی دین ملوکهم». اگر مسئولان و کارگزاران که طبیعتاً راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی نیز به عهده آنهاست خود گرفتار تجملات و رفاه‌طلبی با اجناس خارجی باشند، بایستی پیشاپیش از عدم موفقیت اقتصاد مقاومتی سخن گفت.

۸- **سیاست‌زده نبودن اقتصاد:** اقتصاد مقاومتی نیازمند برنامه‌ریزی، ثبات، دوراندیشی و دشمن‌شناسی است. این نیازمندی‌های اقتصاد مقاومتی با سیاست‌زده بودن و هر روز دچار تغییرات اساسی شدن پیش نمی‌رود؛ بلکه اگر ثبات مدیریتی و برنامه‌ای وجود داشته باشد و نگاه جامع‌الاطرافی به اقتصاد وجود داشته باشد، بهتر می‌توان در این مسیر برنامه‌ریزی کرد.

### تحلیل و بررسی

از بررسی ادبیات و نظریات مربوط به سبک زندگی می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از مهمترین موضوعات در سبک زندگی مصرف، مدیریت مصرف و شیوه مصرف است و از منظر دیگری در بررسی سبک‌های زندگی به ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های افراد یک جامعه توجه می‌شود و طبیعتاً این موضوعات

هم بر سبک و فرهنگ زندگی مؤثرند و هم از آنها تأثیر می‌پذیرند. بررسی الگوهای سبک زندگی در ایران حکایت از آن دارد که، جامعه ایرانی همانند دوره مشروطه که در آن سه فرهنگ سنتی، دینی و نوگرا وجود داشت (آل غفور، ۱۳۷۴، ۱۳۰)، عرصه تنازع و برخورد جریان‌های مختلف و گاه متباین فرهنگی است. تحولات فرهنگی جهانی در تعامل با تحولات اجتماعی ایران سبک‌های زندگی ایرانی را نخست متنوع و دوم دگرگون‌پذیر و ناپایدار ساخته است. به طور کلی جامعه ایرانی عرصه رقابت سبک‌های زندگی گوناگون است (آزاد ارمکی و شالچی، ۱۳۸۴). اگر بخواهیم به صورت نظری الگوی سبک زندگی ایرانیان را از هم تفکیک کنیم می‌توانیم دو نوع سبک زندگی دینی و مدرن را از هم جدا کنیم و اگر پیوستاری از سبک‌های زندگی ایرانیان را در نظر بگیریم، سبک‌های زندگی شناسایی شده در دو قطب این پیوستار قرار می‌گیرند. بدیهی است سبک‌های زندگی بینابینی با ترکیبات متفاوت در حد فاصل این دو وجود دارند. اما در اینجا فقط این دو سبک زندگی به مثابه تیپ‌های ایده آل در نظر گرفته شده‌اند (شهابی، ۱۳۹۱).

مرور تاریخی زندگی اجتماعی و فرهنگی در ایران نشان می‌دهد بخش گسترده‌ای از افراد جامعه به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و احیا و گسترش فرهنگ شیعی در جامعه بر احکام و دستورهای دینی و بر سبک زندگی دینی تأکید دارند و در این نوع سبک زندگی، مؤلفه‌های مربوط به قوانین دینی، آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) و امامان (ع) و حفظ شیوه زندگی اسلام‌گرا وجود دارد و سبک و سیاق آن به تصویر کشیده می‌شود.

در مقابل، بخش‌های اندکی از جامعه به ویژه در میان اقشار مرفه‌تر، سبک زندگی مدرن را برگزیده‌اند که با مؤلفه‌های دال بر حضور عناصر مدرن و نو در زندگی امروزی تعریف می‌شود و به عبارتی نشانه آینده‌نگری و رو به جلو داشتن است (رسولی، ۱۳۸۲).

مرور مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی که متمرکز بر شاخص‌هایی چون: ۱- تلقی فرهنگ کار به عنوان یک فریضه دینی ۲- مولد بودن انسان مؤمن ۳- مشارکت مردم در اقتصاد ۴- توجه به اقتصاد دانش‌بنیان ۵- وجدان کاری و انضباط اجتماعی ۶- مدیریت مصرف ۷- پرهیز از تجمل‌گرایی ۸- سیاست‌زده نبودن اقتصاد می‌باشد و ارزش‌های سبک زندگی دینی که برخی از آنها عبارت‌اند از: ۱- اهمیت علم و دانش ۲- وجدان کار و اخلاق تولید ۳- مسئولیت‌پذیری مردم ۴- ساده‌زیستی ۵- عزت نفس ۶- آینده‌نگری و ۷- رعایت توازن و اعتدال، نشان می‌دهد بین سبک زندگی دینی و اقتصاد مقاومتی، هماهنگی و تناسب بیشتری نسبت به تناسب سایر سبک‌های زندگی و اقتصاد مقاومتی در ایران برقرار است؛ زیرا هر آنچه که نیاز اقتصاد مقاومتی است در جامعه دینی متبلور است و جزء ویژگی‌های فکری و رفتاری انسان مسلمان است؛ اما رابطه منطقی بین اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی مدرن و پیشامدرن، عموم و خصوص من‌الوجه است.

یکی از عناصری که در پیشرفت انسان نقش اساسی دارد، نظم و برنامه‌ریزی در ساعات شبانه‌روز است؛ یعنی این که برای هر کاری زمانی را مشخص کنیم و خود را طی آن برای انجام آن کار موظف بدانیم (بهرامی، ۱۳۸۴، ۶۳). این موضوع در زندگی انسان خدا‌باور، منظم، ساعی و تلاشگر جاری است، وجدان کاری بر او حاکم است و کارها و فعالیت‌های خود را به نحوه مطلوب و برنامه‌ریزی شده به انجام می‌رساند؛ زیرا بر این باور است که تدبیر خوب زندگانی و برنامه‌ریزی درست اقتصادی از نشانه‌های انسان باایمان است (وسائل

الشیعه، ج ۱، ۳۲) و رضایت الهی و نظارت الهی را همواره همراه خود می‌بیند و از سوی دیگر خدمت به خلق خدا را هم در مسیر رضایت الهی می‌داند.

در سبک زندگی دینی، اعضای جامعه ساده‌زیستی، عزت نفس و استقلال را بر مصرف‌زدگی و رفاه‌طلبی ترجیح می‌دهند و تحقیر برای مصرف را نمی‌پذیرند. همان گونه که قناعت، عزت و سربلندی را به همراه دارد و انسان را به دیگران محتاج نمی‌کند، در مقابل طمع و حرص، آدمی را ذلیل و در مقابل هر کس سرافکننده می‌سازد و انسان بر آن هر روز در آرزویی است و هیچ آرامشی ندارد (بهرامی، ۱۳۸۰، ۱۲۱).

جامعه دینی، علم - یکی از ضروریات اقتصاد مقاومتی در عصر حاضر - را ارج می‌نهد؛ «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد»، «اطلبوا العلم ولو بالصین» و توجه به علم و دانش را راهکار مفیدی در ارتقاء توانمندی و قدرت جامعه اسلامی می‌داند؛ العلم السلطان من وجده صال و من لم یجد صیل علیه (ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ۳۲۰).

فی الجمله جامعه دینی مبتنی بر گزاره‌های اعتقادی که با منویات پیشوایان دینی<sup>۱</sup> شکل می‌گیرد، جامعه‌ای است خدا‌باور و معتقد به خلیفه الهی انسان، با همبستگی درونی، مولد، اخلاق‌گرا، با وجدان کاری بالا و روحیه ایثارگری، اعتقاد به کار به عنوان یک فریضه، ساده‌زیست و مستقل، مخالف تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی.

در جامعه دینی، تولید، علم، اقتصاد و ... با بالاترین بازدهی، ارزش و اهمیت زیادی دارد؛ چون در مسیر زندگی انسان تعریف می‌شود. البته این ارزش و جایگاه تا زمانی است که در مسیر "از خدا بودن و به سوی او رفتن" باشد.

همان گونه که اشاره شد نوع، میزان و روش مصرف، ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌ها در طبقه‌بندی و تفکیک سبک‌های زندگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نگرش‌ها و ارزش‌های متفاوت می‌توانند منشأ کنش‌ها و رفتارهای مصرفی گوناگونی باشند. همین موضوعات در فرهنگ و جامعه دینی از زبان حضرت علی (ع) این گونه بیان می‌شود: مراقب افکارت باش که گفتارت می‌شود. مراقب گفتارت باش که رفتارت می‌شود. مراقب رفتارت باش که عادتت می‌شود. مراقب عادتت باش که شخصیتت می‌شود و مراقب شخصیتت باش که سرنوشتت می‌شود.

از آنجایی که هدف اقتصاد مقاومتی رفع خاصیت شکنندگی و آسیب‌پذیری سیستم اقتصادی در مقابل شوک‌های اقتصادی دشمن می‌باشد، مرور اجمالی سبک‌های مختلف زندگی نشان می‌دهد سبک زندگی اجتماعی و اقتصادی دوران پیشامدرن نمی‌تواند متناسب با این هدف باشد؛ لکن برخی عناصر مثبت همانند ساده‌زیستی و خودکفایی در آن وجود دارد، که می‌تواند در اقتصاد مقاومتی هم کاربرد داشته باشد. اقتصاد مقاومتی در منظومه تفکر و نظام دینی، ملزومات خاص خود را دارد.

۱- از جمله امام باقر (ع) می‌فرماید: «رسیدن به درجات عالی کمال انسانی در سایه سه چیز امکان‌پذیر است، فهم دین و شناخت آن، داشتن عزمی بلند و همتی استوار در برابر مصائب و مشکلات و سنجش و اندازه نگه داشتن در امور مربوط به معیشت و زندگی اقتصادی» (اصول کافی، ج ۱، ۳۲).

در سبک زندگی مدرن عناصری چون دانش و علم، انضباط، کیفیت بالای محصولات، تولید انبوه و خصوصی سازی از جایگاه مهمی برخوردارند اما ویژگی مهم این جامعه این است که جامعه‌ای مصرفی و بحران زده است. هرچند در بخش تولید فراوان موفق است اما این که تولید با چه هدفی است و تا چه حد لازم است آن چنان مهم نیست و آنچه مهم است سود آن است. در سبک زندگی پسامدرن، آشفته‌گی و سراسیمگی و بی‌هویتی در اوج خود قرار دارد؛ تفکر حاکم بر این سبک زندگی سرخورده از دوران مدرن است اما چاره بحران را هنوز پیدا نکرده. تفکر پست مدرن تنها موفقیتش نقد مدرنیسم است نه ارائه جایگزین برای آن و سبک زندگی برآمده از آن.

در کنار این سبک‌های زندگی رایج و مطرح، امروزه برخی تلاش می‌کنند با تفکر التقاطی و گزینشی، با استدلال برگزیدن بهترین‌ها از هر تفکر و اندیشه، سبک زندگی و رفتاری برای جامعه اسلامی - ایرانی نسخه‌پیچی کنند که قاعدتاً با خصوصیات و شرایط جامعه اسلامی هماهنگی ندارد. لذا بایستی توجه داشت آنچه معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی جامعه دینی و سبک زندگی آن را تشکیل می‌دهد با هر کدام از سبک‌های زندگی غیردینی و غیراسلامی متفاوت است و به همین جهت رویکرد التقاطی در این جوامع جوابگو نیست و به سرعت تناقضات و تضادهای خود را نشان می‌دهند. آنچه که می‌تواند و باید زیربنای سبک زندگی دینی قرار گیرد منظومه و دستگاه فکری دینی - اسلامی است؛ چیزی که همواره در زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم ما وجود داشته اما به علت رسوخ فرهنگ مصرفی و اندیشه‌های غیربومی مورد خدشه قرار گرفته و باید بازسازی و تقویت گردد تا با الهام از سبک زندگی برآمده از دین، اقتصاد مقاومتی را که به تعبیر آیت الله جوادی آملی ستون فقرات آن دین می‌باشد عملیاتی نماید.

جدول ۲ - جدول مقایسه‌ای برخی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی با سبک‌های زندگی

ردیف	شاخص‌های اقتصاد مقاومتی	سبک زندگی		
		پسامدرن	مدرن	پسامدرن
۱	ترویج فرهنگ کار و تلاش به عنوان فریضه	ندارد	ندارد	ندارد
۲	حاکمیت روحیه موکد بودن	ندارد	بالا	ندارد
۳	وجدان مصرفی	ندارد	ندارد	بالا
۴	تجمل‌گرایی	بالا	بالا	ندارد
۵	سیاست‌زدگی اقتصاد	بالا	بالا	ندارد
۶	مشارکت اقتصادی مردم	ندارد	بالا	پایین
۷	توجه به اقتصاد دانش‌بنیان	بالا	بالا	ندارد

۸	وجدان کاری	پایین	بالا	متوسط	بالا
۹	چشم انداز	کوتاه مدت	بلند مدت	بلند مدت	بلند مدت
۱۰	جایگاه دین	پایین	ندارد	ندارد	بالا

### نتیجه گیری و جمع بندی

مرور مفاهیم، تعاریف و شاخص‌های سبک زندگی و رویکردهای مختلف به آن از یک سو و موضوع اقتصاد مقاومتی و شاخص‌های آن از سوی دیگر حاکی از آن است که سبک‌های زندگی مختلف (پیشامدرن، مدرن و پسامدرن) هر کدام از آبخشورهای فکری و فرهنگی متفاوتی تغذیه می‌شوند و به لحاظ تاریخی و جغرافیایی در جوامع خاصی کاربرد دارند. لکن سبک زندگی دینی که با محوریت تفکر دینی شکل گرفته، فارغ از تاریخ و جغرافیا بررسی می‌شود؛ چون اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد؛ ولو اینکه تفکر دینی هم مقتضیات زمان و مکان را ملحوظ می‌دارد؛ هر چند این به آن معنی نیست که تفکر دینی و سبک زندگی برآمده از آن، با عامل زمان و مکان تغییرات ماهوی پیدا کند.

با توجه به بررسی و مقایسه تعاریف، شاخص‌ها و اهداف مترتب بر اقتصاد مقاومتی از یک سو و تطبیق و مقایسه آبخشورهای فکری مختلف، اهداف و شاخص‌های اصلی سبک‌های زندگی نسبت به هم و نسبت به اقتصاد مقاومتی، نوعی همبستگی بین شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی دینی مشاهده می‌شود. لذا با بررسی و تحلیل صورت گرفته بین دو موضوع اصلی، یعنی اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی، نتیجه این است که سبک زندگی دینی مناسب‌ترین و منطبق‌ترین سبک زندگی با اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

### منابع و ماخذ

- قرآن کریم.
- آزاد ارامکی، تقی و شالچی، وحید (۱۳۸۴)، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی‌شاپ»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال اول، شماره ۴.
- آل غفور، (بی‌نا) (۱۳۷۴)، نقد و نظر، سال دوم، شماره چهارم، تابستان و پاییز.
- ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی»، نامه علوم اجتماعی، شماره سی‌ام.
- ابن شیععه، حسن بن علی (۱۳۶۳)، تحف العقول، مصحح علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- بنت، اندی (۱۳۸۶)، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران، نشر اختران.

- بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، **نظریه کنش دلایل عملی و انتخاب عقلانی**، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نقش و نگار، جلد اول.
- بهرامی، غلام رضا (۱۳۸۴)، **فرهنگ زندگی**، قم، دلیل ما.
- تافلر، الوین (۱۳۷۵)، **جابجایی در قدرت**، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر سیمرغ.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، **ستون فقرات اقتصاد مقاومتی**، برگرفته از سایت [www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net)
- حسینی پاکدهی، علیرضا و یارقلی، مریم (۱۳۹۱)، «سبک زندگی در سریال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای»، **فصلنامه علمی-ترویجی وسایل ارتباط جمعی**، سال بیست و سوم، شماره ۳.
- رسولی، محمدرضا (۱۳۸۲)، «بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۳.
- رضوی‌زاده، نورالدین (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر مصرف رسانه بر سبک زندگی ساکنان تهران»، **پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات**.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹)، **مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن**، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران، نشر ثالث.
- رحمت‌آبادی، الهام (۱۳۹۱)، «شالوده‌هویت اجتماعی در مدرنیته متأخر»، **الگوهای سبک زندگی ایرانیان**، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- زریباف، مهدی (۱۳۹۱)، به نقل از سایت برهان [www.Borhan.ir](http://www.Borhan.ir)
- شالچی، وحید (۱۳۸۶)، «سبک زندگی جوانان کافی شاپ»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۱.
- شهابی، محمود (۱۳۹۱)، «سبک‌های زندگی جهان و طنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت‌های سیاسی آنها»، **الگوهای سبک زندگی ایرانیان**، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، **مصرف و سبک زندگی**، تهران، صبح صادق.
- فریزی، دیوید (۱۳۸۶)، **گئورگ زیمل**، ترجمه جواد گنجی، تهران، گام نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، **پیامدهای مدرنیته**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۸۴)، **پسامدرن برای بچه‌ها**، ترجمه آذین حسین‌زاده، تهران، نشر ثالث.
- مارشال، گوردن (۱۳۸۸)، **فرهنگ جامعه‌شناسی**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، میزان.
- متوسلی، علی محمد (۱۳۸۴)، **تفسیر آیات: دین و زندگی (۱)**، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- متوسلی، علی محمد (۱۳۸۴)، **تفسیر آیات: دین و زندگی (۲)**، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۶۲)، **بحار الانوار**، بیروت، موسسه الوفاء.

- محمدی، سیده عقیله (۱۳۹۱)، «رابطه بین سبک زندگی و نگرش هویت جنسیتی در بین دو نسل مادران و دختران»، *الگوهای سبک زندگی ایرانیان*، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- محمدی، افشین و بی‌باک‌آبادی، غزال (۱۳۸۹)، «بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی و الگوهای رفتار در فیلم‌های سینمایی پرفروش»، *نامه پژوهش فرهنگی*، سال یازدهم، شماره یازدهم.
- محمدی ری‌شهری، محمد(بی‌تا)، *میزان الحکمه*، جلد ۸، (بی‌جا).
- مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷)، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره یک.
- ویلن، تورستین (۱۳۸۳)، *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
- ی.سو، آوین (۱۳۹۰)، *تغییرات اجتماعی و توسعه*، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Archive of SID